
عوامل اجتماعی موثر بر شکل‌گیری کژکاری‌های آموزش عالی (با تأکید بر مدرک‌گرایی)

دکتر کورش پارسا معین^۱

چکیده

این پژوهش با هدف عوامل موثر بر شکل‌گیری کژکاری‌های آموزش عالی با تأکید بر مدرک‌گرایی با رویکرد کمی صورت گرفته است. جامعه آماری آن شامل کلیه اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان تهران می‌باشد که از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای برای نمونه‌گیری استفاده شده است، که در نهایت چهار دانشگاه (تهران شمال، تهران جنوب، تهران غرب و تهران مرکز) انتخاب و از میان این چهار واحد دانشگاهی تعداد نمونه براساس فرمول کوکران تعداد ۳۸۰ نفر انتخاب شده‌اند. تجزیه و تحلیل اطلاعات از طریق آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون صورت گرفت و نتایج نشان داد که عوامل متعددی در شکل‌گیری کژکاری‌های آموزش عالی نقش دارد از جمله کمی‌گرایی، مدرک‌گرایی، ضعف ساختار مدیریتی. یافته‌ها نشان داد که کمی‌گرایی به محتوای درسی در آموزش عالی با ضریب همبستگی ۴۹ درصد، مدرک‌گرایی با ضریب همبستگی ۸۲ درصد و ضعف ساختاری با ۶۰ درصد از عوامل موثر بر کژکاری‌های آموزش عالی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: کژکاری، آموزش عالی، مدرک‌گرایی

Social factors affecting the formation of higher education (with emphasis on documentary)

Abstract

This research aims to identify the factors influencing the formation of higher education graduates with an emphasis on quantitative evidence-based approaches. The statistical population includes all faculty members and graduate students of Islamic Azad universities of Tehran province. A cluster sampling method was used for sampling. Finally, four universities (Tehran North, Tehran South, Tehran West and Tehran Center) were selected and from among them Four university units Number of samples based on the Cochran formula has been selected ۳۸۰ people. Data analysis was performed by Pearson correlation coefficient and regression analysis. Results showed that various factors play a role in the formation of higher education hangings, including quantitative, documentary, weak management structure. Findings showed that quantitative relation to higher education content in higher education with correlation coefficient of ۴۹٪, degree of correlation with ۸۲٪ and structural weakness with ۶۰٪ of factors affecting education in higher education.

Key words: Dangers, Higher Education, Pro forma

تاریخ اکتپت: ۹۶/۱۰/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۶/۴/۱۹

^۱ . گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

مقدمه

براساس آنچه در جامعه آموزش عالی کنونی ایران و نرخ افزایش بیکاران تحصیل کرده و یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که این نهاد آموزشی چه در قسمت دولتی و چه در قسمت دانشگاه آزاد اسلامی نتوانسته است به رسالت اصلی خود که همانا عملی کردن علم و تخصصی کردن مشاغل و پیوند بازار کار با دانشگاه‌ها است، جامع عمل ببوشاند و موفق شود.

بر اساس نظریه کارکردگرایی که همانند سایر نظریه‌های علوم اجتماعی دارای پیش‌فرض هستی‌شناسی واقع‌گرا و از نظر معرفت‌شناسی اثباتی و قانون بنیاد است و توجه این دیدگاه نسبت به ماهیت جامعه، تلاش در جهت حفظ و توجیه نظم در مقابل ایجاد تغییر و دگرگونی است. جامعه دانشگاهی ما نتوانسته است نظم و هماهنگی لازم را در میان این تغییر و دگرگونی فرهنگ و شیوه زندگی و بازار کار جامعه ایجاد نماید (پارسا معین، ۱۳۹۵: جزوه درسی).

با توجه به تغییرات تکنولوژی، وجود تغییرات فرهنگی، تاثیرات تکنولوژی، و نیازهای جدید اقتصادی - فرهنگی افراد جامعه، نظام آموزش عالی نتوانسته است خود را با اینگونه تغییرات هماهنگ کرده و نیازهای جدید را رفع نماید؛ بنابراین برای رفع این عدم هماهنگی میان سیستم نظام آموزش عالی و تغییرات فرهنگی - اقتصادی جامعه نظام آموزش عالی دچار کژکاردهایی شده است، که از جمله آنان می‌توان به مدرک‌گرایی، ضعف ساختار مدیریتی ضعف تعهد درونی و حرفه‌ای و در نهایت ضعف در ارتباط دانشگاه و صنعت اشاره کرد (پارسا معین، ۱۳۹۶: جزوه درسی).

آموزش عالی را نقطه تلاقی سه قلمرو دانش، قدرت و فرهنگ تلقی می‌نمایند (فکوهی، ۱۳۸۲: ۱۰)، چرا که موجب عمق بخشیدن به نگرش‌های علمی و فرهنگی، تعمیق فرهنگ گفت و گو مدار و کارکرد جمعی، ارتقای تنوع و غنای فرهنگی شده (ذاکر صالحی، ۱۳۸۳: ۱۳۹) و نقشی اساسی در فرآیند توسعه ملی و ایجاد موازنه بین ابعاد مختلف و توسعه یافتگی کشور دارد (ثابتی و احمدی، ۱۳۹۳: ۲۳۸).

طرح مسئله

توسعه هر جامعه برآیندی از وضعیت توسعه یافتگی نهاد علم و آموزش عالی آن کشور است چرا که در فرآیند توسعه یافتگی، علم اساسی‌ترین نقش را ایفا می‌کند و در قالب تجربه، در عرصه مدیریت تبلور می‌یابد (فراستخواه، ۱۳۸۸: ۱۰۹). از این رو یکی از سیاست‌های اصلی

کشورهای توسعه یافته در سال‌های گذشته افزایش دسترسی به آموزش عالی و همگانی کردن آن بوده است (توفیقی داریان، ۱۳۸۸: ۱۰۵). با این حال چالش‌های امروزی آموزش عالی و پیچیدگی‌های ناشی از آن، توسعه‌ی درونی دانشگاه را به عنوان یکی از دغدغه‌های ضروری دولت‌ها و مؤسسات آموزش عالی در سراسر دنیا تبدیل کرده است (مارمجو، ۲۰۰۶: ۲۵).

از یک سو توسعه درونی دانشگاه‌ها و از یک سو محدود بودن منابع درآمدی آنان و تأمین بودجه و امکانات لازم برای دانشگاه‌ها برای رفع این ناتوانی به جذب بی‌رویه دانشجویان بدون توجه به نیاز بازار تنها برای نیازهای مالی باعث خارج شدن از مسیر اصلی خود شده است. تغییراتی که در بخش‌های مختلف جامعه به خصوص در ارتباط با محیط‌های سیاسی، اجتماعی و صنعتی در بسیاری از کشورها رخ داده، تقاضاها، انتظارات را افزایش داده و قوانین جدیدی را ایجاد کرده بود که به دنبال آن مؤسسات آموزش عالی با چالش‌های متعددی مواجه کرد، از جمله مهم‌ترین دولت در تأمین بودجه آموزش عالی در مقایسه با سایر وظایف اصلی اوست. در نهایت راه حلی که مؤسسات آموزش عالی در نظر گرفتند، کاهش امکانات آموزشی با عنوان صرفه جویی در هزینه‌ها بدون تدبیر و اولویت‌بندی نیازها در مؤسسات، افزایش پذیرش دانشجویان بدون در نظر گرفتن نیازهای اجتماع و افزایش مدرک‌گرایی.

برای دستیابی به هنجارهای اصولی هنجاری و روحیاتی چون درستی، صداقت و بزرگ منشی، روحیه کاربرد دانش برای ارتقای رفاه بشری، روحیه‌ی افزایش شایستگی، احساس مسئولیت، حسن پاسخگویی، انتقاد پذیری، شفافیت، انصاف و... از مولفه‌های اخلاقی و هنجاری و از الزامات خود افراد است به عنوان فرهنگ در دانشجویان و سیستم دانشگاهی خود نهادینه کنند (فراستخواه، ۱۳۸۵: ۲۷). به عبارت دیگر دانشگاه‌ها باید تلاش نمایند افرادی را پرورش دهند که بورديو (۱۹۸۸) آن را انسان آکادمیک می‌نامد. بورديو معتقد است مهم‌ترین کاری که دانشگاه انجام می‌دهد شکل بخشیدن هویت تازه‌ای در فرد تحصیل کرده به نام هویت علمی است. انسان دانشگاهی برای پیشبرد علم، تأمین نیازهای شغلی، نیازهای جامعه و سایر موضوعات، دائماً در مسیر یادگیری، یاد دادن، تولید و اشاعه فکر و ایده‌های نو تلاش می‌کند، انسان دانشگاهی از دیدگاه سریع‌القلم (۱۳۷۵) دارای ویژگی‌هایی هم چون تفکر علمی، تولید علمی، استنباط علمی، و... است. بر اساس دیدگاه کلارک (۱۹۸۷) انسان دانشگاهی بایستی دارای ویژگی‌هایی همچون انجام پژوهش و آموزش به نحو احسن، کمک نوآورانه به رشته‌های

علمی خود، کاهش منافع فردی به سود منافع جمعی و اصولی، نشاط، شور علمی، انتشار آثار قلمی برجسته، و... تسلط بر دانش و رشته علمی خود باشد (فاضلی، ۱۳۸۷).

باتوجه به کارکردهای سه گانه نظام آموزش عالی (تولید، انتقال و انتشار علم) برخی از صاحب نظران معتقد می باشند که ایران در حوزه سه کارکرد یاد شده حرکت یکسانی نداشته و در مواردی با پیشرفت و سرعت به نسبت بالا و در موارد دیگر با کندی حرکت روبه رو بوده است، به طوری که گفته می شود نظام آموزش عالی ایران از دو خط مشی تولید علم و به کارگیری علم در جامعه دور افتاده و به یک دور تکرار رسیده است و تنها بر انتقال علم در قالب گسترش آموزش با افزایش بیش از حد پذیرش و تربیت دانشجو تاکید کرده است. در همین خصوص نیز، علت اساسی شکافها و ناکارآمدی نظام آموزش عالی ایران را نبود الگوی کارآمد همراه با فقدان ساختار و نهاد ملی واجد شرایط جهت مدیریت و بهینه سازی آموزش عالی کشور می دانند (ترک زاده و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۱).

بطور کلی آموزش عالی باید بتواند افراد را برای زندگی اجتماعی و فردی آینده آماده نماید، اما آن چه از واقعیات موجود بر می آید فرآیند جامعه پذیری در دانشگاهها، انتقال فرهنگ و تربیت انسانهای آکادمیک با ویژگیهای بیان شده چندان موفق نبوده است (مطلبی فرد، ۱۳۹۱: ۱۳).

رفتار دانشجویان در بسیاری از مواقع در تضاد با هنجارهای مورد قبول در آموزش عالی بوده و علی رغم توسعه و گسترش چشم گیر نظام آموزش عالی کشور، دانشگاهها در زمینه تربیت انسان آکادمیک به نحو مطلوب موفق نبوده اند. دانشگاهها نه تنها به نحوه مطلوب قادر به ارتقاء و کمال بخشیدن به کسانی که نتوانسته اند در مدرسه و خانواده آمادگیهای ذهنی و شخصیتی لازم را برای ایفای نقش انسان دانشگاهی بدست آورند، نیستند؛ بلکه حتی کسانی که این آمادگیها را دارند نیز با ورود به دانشگاه یا دچار سرخوردگی و یاس می شوند یا در فضایی بیرون از دانشگاه علایق خود را جستجو و دنبال می کنند (مطلبی فرد، ۱۳۹۵: ۱۳).

در نهایت قابل ذکر است که در شکل گیری رفتار دانشجویان عوامل و متغیرهای بسیار زیادی تاثیرگذار می باشند. برخی از این عوامل می تواند تحت تاثیر ویژگیهای فردی افراد و برخی دیگر تحت تاثیر عناصر محیطی قرار گیرند. اما در هر صورت وضعیت موجود آموزش عالی ایران نوید روشنی از رفتار آکادمیک دانشجویان ندارد. در حالی که انتظار می رود دانشگاهها به طور ایده آل موجب توسعه روحیاتی هم چون بسط روحیه تفکر و تحقیق، انصاف و احترام و...

احترام به علم به خاطر خود علم و نه هدف‌های انتفاعی و پرورش انسان‌هایی خلاق شوند (شریعتمداری، ۱۳۷۹: ۱۶۱).

با توجه به مطالب مطرح شده این پژوهش به دنبال فهم و تبیین عوامل شکل‌گیری کژکاری‌ها و عملکرد نادرست نظام آموزش عالی می‌باشد. به بیان دیگر این پژوهش به دنبال پاسخی برای این سوال است که چه عواملی باعث ایجاد عملکرد نادرست نظام آموزش عالی شده است یا باعث کارکرد منفی آن شده؟

روش شناسی

پژوهش حاضر براساس هدف، تحقیقی کاربردی و براساس روش پیمایشی، اسنادی و کتابخانه‌ای است؛ و از نظر زمانی جزء مطالعات مقطعی و پهنا نگر بوده و برای بدست آوردن پیشینه پژوهش و مبانی نظری از روش اسنادی، کتابخانه‌ای بهره گرفته شد. جامعه آماری کلیه اساتید و دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان تهران بوده که برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد که از میان تمامی دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان تهران از چهار دانشگاه آزاد تهران شمال، تهران جنوب، تهران غرب و واحد تهران مرکز در نظر گرفته شد و براساس فرمول کوکران تعداد نمونه ۳۸۰ نفر انتخاب شد. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته با تعداد ۳۲ گویه در سه بعد کمی‌گرایی، مدرک‌گرایی و ضعف ساختار مدیریتی را شامل می‌شد. برای سنجش فرضیه‌ها از آزمون‌های پارامتریک ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی ساده استفاده گردید.

یافته‌ها

۱. بین عوامل اثرگذار (مدرک‌گرایی) بر کارکرد نامناسب نظام آموزش عالی رابطه وجود دارد.

آزمون همبستگی پیرسون

Sig	R ^۲	ضریب همبستگی	متغیرها	شاخص آماری
۰/۰۰۱	۰/۶۷	۰/۸۲*	عوامل اثرگذار (مدرک‌گرایی) * آموزش عالی	

* همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار است.

مطابق با جدول بالا بین عوامل اثرگذار (مدرک گرایی) بر کارکرد نامناسب نظام آموزش عالی رابطه معناداری وجود دارد ($P < 0/05$). ضریب همبستگی عوامل اثرگذار مدرک گرایی برابر $0/82$ می‌باشد. ضریب تعیین حاصل از این رابطه نشان می‌دهد که این دو متغیر $0/67$ درصد از واریانس یکدیگر را پیش‌بینی می‌کنند.

۲. بین عوامل اثرگذار (کمّی گرایی) بر کارکرد نامناسب نظام آموزش عالی رابطه وجود دارد.

آزمون همبستگی پیرسون

Sig	R ^۲	ضریب همبستگی	شاخص آماری متغیرها
0/001	0/24	0/49*	کمّی گرایی* آموزش عالی

* همبستگی در سطح $0/05$ معنی‌دار است.

مطابق با جدول بالا بین عوامل اثرگذار (کمّی گرایی) بر کارکرد نامناسب نظام آموزش عالی رابطه معناداری وجود دارد ($P < 0/05$). ضریب همبستگی عوامل اثرگذار کمّی گرایی برابر $0/49$ می‌باشد. ضریب تعیین حاصل از این رابطه نشان می‌دهد که این دو متغیر $0/24$ درصد از واریانس یکدیگر را پیش‌بینی می‌کنند.

۳. بین عوامل اثرگذار (ضعف ساختار مدیریتی) بر کارکرد نامناسب نظام آموزش عالی رابطه وجود دارد.

آزمون همبستگی پیرسون

Sig	R ^۲	ضریب همبستگی	شاخص آماری متغیرها
0/001	0/36	0/60*	ضعف ساختار مدیریتی* آموزش عالی

* همبستگی در سطح $0/05$ معنی‌دار است.

مطابق با جدول بالا بین عوامل اثرگذار (ضعف ساختار مدیریتی) بر کارکرد نامناسب نظام آموزش عالی رابطه معناداری وجود دارد ($P < 0/05$). ضریب همبستگی عوامل اثرگذار ضعف

ساختار مدیریتی برابر ۰/۶۰ می‌باشد. ضریب تعیین حاصل از این رابطه نشان می‌دهد که این دو متغیر ۰/۳۶ درصد از واریانس یکدیگر را پیش بینی می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

از عوامل متعددی که در شکل‌گیری کژکاری‌های در نظام آموزش عالی کشور مورد توجه بوده است شیوه ورود اعضای هیأت علمی و دانشجویان به شیوه‌های غیر آکادمیک است تعداد زیادی از دانشجویان و اعضای هیأت علمی در آموزش عالی که کارآمدی و توان و انگیزه لازم را در این حوزه ندارند و این موضوع زمینه‌ساز بسیاری از عملکردهای نادرست در سیستم آموزشی بخصوص در نحوه مدیریت و مسئولیت‌های اجرایی آنان می‌باشد. از طرف دیگر ضعف امکانات و زیر ساخت‌های لازم است که توسعه قوانین و زیر ساخت‌های مرتبط با آن آموزش عالی در این زمینه دارای کمبودهای مختلفی هست که به نبود امکانات آزمایشگاهی، بانک مقالات بین المللی، نبود کتابخانه‌های غنی از کتاب‌های علمی به روز و مرتبط با دیگر کشورها و مسائل دیگر یکی از عوامل زیر ساختی ضعیف در نظام آموزش عالی می‌باشد. ضعف در قوانین و دستورالعمل‌ها یا سهل‌گیری در اجرای آن، علاوه بر موارد مطرح شده دستورالعمل‌ها و انتظارات از کنش‌گران آموزش عالی یا سهل‌گیری و نگاه سلیقه‌ای در اجرای قوانین از موجبات دیگر کارکردهای نامناسب در آموزش عالی است. نسبت پایین بودن تعداد استاد به دانشجو در تحصیلات تکمیلی و ایجاد صف انتظار برای دانشجویان تا بتوانند استاد راهنما برای انجام امور پایان‌نامه‌های خود انتخاب نمایند، نداشتن وقت کافی اساتید برای راهنمایی کردن دانشجویان و انجام فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی در حوزه تخصص خود. موارد بیشماری از عوامل و علل در ایجاد کژکاری میان اجزاء سیستم نظام آموزش عالی در ایران وجود دارد که در اینجا تنها جست و گریخته و بسیار محدود تنها به آن‌ها اشاره‌ای شد.

براساس یافته‌های این تحقیق مدرک‌گرایی بیشترین ضریب همبستگی را به خود اختصاص داده است که در سال‌های اخیر میل به گرفتن مدرک تحصیلی از کارشناسی به مقطع بالاتر کشیده شده که شمار شرکت‌کنندگان در کنکور نشان‌گر چنین امری است و این مقوله شامل ابعاد زیر است.

ناکارآمدی برنامه درسی: هر سال بر اساس ارزیابی به نام کنکور، افراد زیادی وارد دانشگاه می‌شوند. هرچند انگیزه‌های این افراد متفاوت است اما در میان آنان هستند کسانی که به راستی

سوادی یادگیری، علم‌جویی، رشد و خدمت به کشور را در سر داشته و تنها به دنبال کسب مدرک نیستند اما با ورود به دانشگاه حتی بهترین دانشگاه‌ها با شگفتی در می‌یابند که تصورات آنان از تحصیل در دانشگاه و محیط علمی آن بسیار متفاوت بوده است. در دانشگاه و در سطوح تحصیلات تکمیلی همچنان بر دروس نظری تاکید می‌شود و بسیاری از اساتید حتی از معلمان دوران دبیرستان هم بی‌انگیزه‌تر بوده و دغدغه رشد و یادگیری فراگیران خود را ندارند و توجیه آنان نیز این است که دانشجوی خود باید به دنبال یادگیری و کسب دانش باشد.

فشار خانوادگی و اجتماعی: یکی از مهم‌ترین عواملی که در زمینه مدرک‌گرایی تاثیر چشم‌گیری دارد فشارهای خانوادگی برای اخذ مدرک است واقعیت این است که فرهنگ غلط حاکم بر جامعه و رقابت بین خانواده‌ها به فشار بر روی فرزندان برای مهندس یا دکتر شدن منجر می‌شود، مهندس بودن با پزشک بودن فرزندان برای والدین و خانواده به عنوان افتخاری است که در جلسات خانوادگی، خواستگاری، و سایر رقابت‌های زنانه میان خانواده‌ها به وفور یافت می‌شود و موجب گرایش فرزندان به سوی مدرک‌گرایی می‌گردد (مطلبی‌فرد، ۱۳۹۵: ۲۹). در آموزش عالی در بعد پژوهشی عملکرد ناقص آموزش عالی این نمونه‌ها به وفور مشاهده شده است که عبارتند از: تحقیقات غیر کاربردی، گسترش داده سازی در تحقیقات و مقاله سازی، خرید و فروش مقاله، پایان نامه و کتاب، رعایت نکردن حقوق آزمودنی‌های انسانی و غیره. یافته‌های این تحقیق با یافته‌های فراستخواد سال (۱۳۸۹)، توکل (۱۳۸۷)، مبشر (۱۳۸۵) هم راستا و همسو بوده است.

در خصوص عامل مدرک‌گرایی با توجه به توضیحاتی که در بالا آمد یافته‌های این تحقیق با یافته‌های مطلبی‌فرد (۱۳۹۵)، آراسته (۱۳۹۵)، نوه (۱۳۹۵) هم‌راستا و همسو بوده است.

منابع

- آراسته، حمیدرضا. (۱۳۸۶). ویژگی‌ها و فعالیت‌های رؤسای دانشگاه‌ها در ایران؛ مسائل و راه‌حل‌ها. فصلنامه پژوهش برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۴۵، صفحه ۳۲-۵۷.
- آراسته، حمیدرضا. (۱۳۸۲). مدیریت در دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم تحقیقات و فناوری؛ چالش‌ها و کاستی‌ها. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۱ و ۲۲، صفحه ۴۲-۶۰.
- آراسته، حمیدرضا. معماری، سعیده. (۱۳۹۰). بررسی عوامل بنیادی مدیریت دانش در محیط‌های دانشگاهی؛ مطالعه موردی، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۳، شماره ۲-۳.
- اسماعیلی، میترا. یمنی دوزجی، محمد. حاجی حسینی، حجت‌اله. کیامنش، علیرضا. (۱۳۹۰). وضعیت ارتباط دانشکده‌های فنی مهندسی دانشگاه‌های دولتی تهران با صنعت در چارچوب نظام ملی نوآوری. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۹، صفحه ۲۷-۴۶.
- افشار، لیلا. نعمتی، علی. (۱۳۸۹). حریم خصوصی در پژوهش‌های معطوف به انسان بر مبنای آموزه‌های اسلامی. فصلنامه راهبرد فرهنگ، سال ۲، شماره ۸ و ۹، صفحه ۶۰-۷۴.
- ایمانی، صدف. یعقوبی، ابوالقاسم. یوسف زاده، محمدرضا. ویسی، سعید. محقق، حسین. (۱۳۹۴). رابطه برنامه درسی پنهان با تحلیل رفتگی آموزشی دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا همدان، پژوهش در برنامه ریزی درسی، سال ۱۲، دوره ۲، ۱۸، ص ۲۹ الی ۴۱.
- باقری نژاد، جعفر. (۱۳۸۷). دانشگاه و صنعت ایران در فرایند گذر در عصر دانش و نوآوری. مجله صنعت و دانشگاه، سال ۱، شماره ۱، صفحه ۱-۱۲.
- بزرگ، حمیده. خاکباز، عظیمه سادات. (۱۳۹۲). استاد راهنمای پنهان؛ برنامه درسی برآمده از تعامل استاد راهنما و دانشجو در پایان نامه‌های کارشناسی ارشد. پژوهش در برنامه ریزی درسی، سال ۱۰، دوره ۲، شماره ۹، صفحه ۳۸-۵۰.
- بریمانی، ابوالقاسم. صالحی، محمد. صادقی، محمدرضا. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر بهبود کیفیت آموزش عالی در دوره تحصیلات تکمیلی از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی. فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی، سال ۲، شماره ۴، صفحه ۵۲-۷۰.
- برهانی، فریبا. الحانی، فاطمه. محمدی، عیسی. عباس‌زاده، عباس. (۱۳۸۹). درک دانشجویان

- پرستاری از موانع کسب اخلاق حرفه‌ای: یک تحقیق کیفی. گام‌های توسعه در آموزش عالی ایران، نشریه صنعت و دانشگاه، سال ۲، شماره ۵ و ۶، صفحه ۵-۱۲.
- ثابتی، مریم. همایون سپهر، محمد. احمدی، فخرالدین. (۱۳۹۳). نقش آموزش عالی در توسعه ملی، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ۶، شماره ۴، صفحه ۶۰-۶۹.
 - خالقی، نرگس. (۱۳۸۷). اخلاق پژوهش در حوزه علوم اجتماعی، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال ۳، شماره‌های ۱ و ۲، صفحه ۸۳ تا ۹۳.
 - ربانی خوراسگانی، علی. قاسمی، وحید. ربانی، رسول. ادیبی سده، مهدی. افقی، نادر. (۱۳۹۰). تحلیل جامعه شناختی شیوه‌های تولید علم، تاملی در رویکردهای نوین، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره ۴، شماره ۴، صفحه ۱۵۸-۱۱۷.
 - رضائیان، محسن. (۱۳۸۸). اخلاق انتشار. مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، دوره ۸، شماره ۴، ص ۲۵۱ تا ۲۵۲.
 - زمان زاده، وحید. جاسمی، مدینه. منصوری، آمنه. فرزانه، فرخنده. حسینی، فهیمه سادات. (۱۳۹۳). کیفیت آموزش مقطع دکتری پرستاری از دیدگاه دانشجویان، نشریه پرستاری ایران، دوره ۲۷، ۸۹، ۸۰-۸۹.
 - دانایی‌فر، حسن. (۱۳۸۸). تحلیلی در موانع تولید دانش در حوزه علوم انسانی: رهنمودهایی برای ارتقای کیفیت ظرفیت سیاست ملی علم ایران. فصلنامه سیاست علم و فناوری، سال ۲، شماره ۱، صفحه ۱-۱۶.
 - ذاکر صالحی، غلامرضا. (۱۳۸۳). درآمدی بر جامعه شناسی آموزش عالی. تهران: انتشارات کویر.
 - ذکایی، محمدسعید. اسماعیلی، محمدجواد. (۱۳۹۰). جوانان و بیگانگی تحصیلی و دانشگاهی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۴ (۴)، صفحه ۵۵-۹۰.
 - سریع القلم، محمود. (۱۳۷۵). توسعه، جهان سوم و نظام بین‌المللی. تهران: انتشارات بی‌نا.
 - سلیمانی، نادر. حسنی، سمانه. (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر بحران رفتار دانشجویی و ارائه راهکار برای کاهش آن. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۵، صفحه ۱-۱۷.
 - شریعتمداری، مهدی. (۱۳۹۰). آسیب شناسی موانع اجرای پژوهش در میان اعضای هیات علمی و ارائه راهکارهای کاربردی. فصلنامه مطالعات مدیریت آموزشی، ۳ (۱)، ۴۶-۵۹.

- فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۸۷). فرهنگ و دانشگاه. تهران: نشر ثالث.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۸۹). دانشگاه و آموزش عالی. تهران: نشر نی.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۸۵). اخلاق علمی رمز ارتقای آموزش عالی جایگاه و سازو کارهای «اخلاقیات حرفه‌ای علمی» در تضمین کیفیت آموزش عالی ایران. فصلنامه اخلاق در علم و فناوری، شماره ۱، صفحه ۱۳-۲۶.
- فیوضات، ابراهیم. تسلیمی تهرانی. (۱۳۸۶). بررسی جامعه شناختی رابطه دانشگاه و صنعت در ایران امروز. پژوهش نامه علوم انسانی، شماره ۵۳، صفحه ۲۶۸-۲۸۰.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۲). فرهنگ و زبان، ضمیمه درآمدی بر انسان شناسی. تهران: نشر نی.
- قارون، معصومه. (۱۳۷۵). بررسی راه‌های تامین مالی دانشگاه‌ها. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی.
- قاضی طباطبایی، محمود و دادهبیر، ابوعلی. (۱۳۷۹). سوگیری هنجاری و اخلاقی در پژوهش‌های دانشگاهی. فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره ۱۸۰ و ۱۸۱، ص ۱۸۷-۲۲۶.
- مطلبی فرد، ع. (۱۳۹۵). واکاوی عوامل موثر بر شکل‌گیری و توسعه کژکاری‌های آموزش عالی در ایران. فصلنامه مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی.